

پزشکی و تخصص‌های پزشکان در ایران باستان (با تکیه بر دینکرد و اوستا)

فرشته آهانگری^{۱*}

مقاله‌ی مروری

چکیده

پزشکی در ایران باستان به دو شاخه‌ی مینو پزشکی (روان پزشکی) و گیتی پزشکی (تن پزشکی) تقسیم می‌شد که شش زیر شاخه را در بر می‌گرفت. ریاست کل پزشکان ایران را برترین شخص روحانی به عهده داشت و تمامی پزشکان، به رعایت قوانین و وظایف حرفه‌ای موظف بودند. مبحث شناخت بیماری‌ها، دارو و درمان، و پیشگیری و بهداشت نیز از موضوعات مورد توجه پزشکان ایران باستان بوده که در کتب زرتشتی اطلاعاتی بر جا مانده است.

در پژوهش حاضر، تمامی اطلاعات حوزه‌های یاد شده در ذیل عناوین مطرح در مقاله، جمع‌آوری و طبقه‌بندی گردیده‌اند. البته برای نخستین مرتبه در پژوهش‌های مربوط به پزشکی ایران باستان از رساله‌ی پزشکی موجود در مجموعه‌ی عظیم دینکرد به‌عنوان ماخذ اصلی برای گردآوری و تنظیم اطلاعات بهره برده شده است.

واژگان کلیدی: پزشکی ایران باستان، پزشکان، گیاه‌پزشکی

^۱ استادیار بنیاد دانشنامه نگاری ایران

* نشانی: تهران، خیابان ولی عصر، روبه‌روی سه راه زعفرانیه، پ. ۱۷۵۳، تلفن: ۲۲۷۱۷۱۱۷، Email: ahangari_41@yahoo.com

مقدمه

آنچه از علم پزشکی در ایران باستان بر جای مانده، در کتب مذهبی زرتشتی پراکنده است. بعضی از تاریخ‌نویسان یونانی چون هرودت و گزنفون نیز به آدابی از پارسیان اشاره نموده‌اند که ریشه‌ی بهداشتی - مذهبی داشته است. این اطلاعات پراکنده همواره این سؤال را به ذهن خواننده و پژوهنده متبادر می‌کند که آیا پزشکی در ایران باستان قواعد و قوانینی داشته یا فقط بعضی از آداب بهداشتی را در بر می‌گرفته که در جامعه مانند بسیاری از شقوق فرهنگی مراعات می‌شده است.

پیش از پژوهش حاضر، مقالات و کتبی در باب این موضوع تألیف شده است، اما هیچ‌یک بر اساس رساله‌ی پزشکی دینکرد، موجود در مجلد سوم، به گردآوری اطلاعات و طبقه‌بندی آن‌ها نپرداخته‌اند و در نتیجه، اطلاعاتی که ارائه کرده‌اند کامل و همه‌جانبه نیست. رساله‌ی پزشکی موجود در دینکرد، حاوی اطلاعات ارزشمندی در باب تخصص‌های پزشکان، رئیس پزشکان، بیماری‌ها، داروها، وظایف پزشک و دلیل ارزشمندی علم پزشکی است.

در این مقاله با استخراج و طبقه‌بندی اطلاعات رساله‌ی پیش گفته و نیز اطلاعات پراکنده در مجلدات ششم، هفتم، هشتم و نهم دینکرد زمینه‌ای فراهم گردید تا اطلاعات دیگر کتب مذهبی زرتشتی از جمله یسنا، یشتها، بندهش و وندیداد نیز تنظیم و تبویب یابد و بدین‌گونه نمایانده شود که تمدن باستانی ایران در حوزه‌ی پزشکی، پیشرفت‌ها و دستاوردهای درخور توجهی داشته است. البته شایان ذکر است که تمامی قوانین پزشکی در آن روزگار مبتنی بر اصول دین زرتشت بوده است و از همین رهگذر، تمام مردم به رعایت قوانین پزشکی و دستورات پزشکان موظف می‌شدند. در صفحات آینده، ابتدا به تخصص‌های پزشکان و وظایف آنان پرداخته می‌شود و سپس، انواع بیماری‌ها، اقسام داروها و دستورات پزشکی و بهداشتی مرعی در ایران باستان عرضه

خواهد شد.

روش کار

این پژوهش مبتنی بر رویکردی نظری در قالب توصیفی است و داده‌ها با روش استنادی گردآوری، سپس طبقه‌بندی و تحلیل شده‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

پزشکی در ایران باستان به دو شاخه‌ی اصلی مینو پزشکی و گیتی پزشکی منقسم می‌گشت که شش زیر شاخه را در برمی‌گرفت. پزشکان در تخصص‌های شش‌گانه وظایفی به شرح ذیل داشتند:

۱- مَترَهَ پزشک: پزشکی که به کمک اوراد مقدس و کلام ایزدی درمان می‌کرده است و هنر و روش درمانی وی برای تقویت نیروهای درونی و روانی انسان به یاری کلمات مؤثر و آسمانی اوستا انجام می‌شده است (۵-۱). واژه‌ی متره یا مانتره به معنی کلام ایزدی، دعا و ذکر کارساز و شکننده‌ی دیو و بدی و بیماری و حتی پیشگیری از بیماری است که در مواقع خطر و هجوم بلا تلاوت می‌شده است (۶، ۱)؛ چنان‌که در دینکرد (۶) و بندهای ۵ و ۶ اردیبهشت یشت و هات ۲۹ یسنا و بندهای ۱ تا ۴ هرمزدیشت (۷) و فرگرد ۲۰ وندیداد (۸) به این خاصیت متره اشاره شده است. متره خواندن ذکر ادعیه‌ای چون اَشَهَ وَ هِیْشَتَهَ، ائیریمن، نام امشاسپندان چون خرداد و اردیبهشت و ایزد رشن بوده است (۱). به استناد مندرجات بندهش، «ائیریمن» یا «اریامن» امشاسپند، آن مینویی است که درمان هر دردی را به آفریدگان داد. اهورا مزدا گوید: هر دارویی را آفریدگان برای از میان بردن دردی می‌خورند، اگر مرا [که] هرمزد [م] اریامن به درمان بخشی نمی‌رسید آن درد به نمی‌آمد» (۹). هم‌چنین به‌وسیله‌ی نیرنگ و افسون گاها می‌توان به درمان رسید (۶). به موجب اردیبهشت یشت، کلام مقدس متره را اهورامزدا به زرتشت آموخت تا کسانی که در معرض هجوم بیماری و دیوان و جن و پری قرار گرفته‌اند به‌وسیله‌ی پزشک متره خوان درمان شوند (۷) زیرا بشر اولیه،

ولی به کردار، می‌باید همسنگ (= مطابق) دستوری دین بهی و فرمایش روان‌پزشک پیرو دستور دین بهی باشد، آن‌گاه است که راه دوزخ بسته می‌شود؛ چونان بیمار تن [که آن] بیماری تن برای پزشک و درمانگر در کار نمودن و دادن راه درمان به او ننهفته (= مکشوف) است [که تنها با رهنمود او] تن از بیماری، درمان می‌شود و روی سوی درستی می‌کند» (۱۴).

این گروه از پزشکان یا پیشوایان مذهبی در صدر گروه پزشکان قرار داشته‌اند و فرمان‌ها و آیین‌هایی در بهبود بیماران تجویز می‌کردند که نه تنها بیماران بلکه تمامی اجتماع ناگزیر به رعایت آن بودند. آنان در درمان شخص بیمار و جن زده با نوک تیز تیغ خَشْتَر و تیریه (= کارد شهریور)، در حالی که گیاهان خوشبو در آتش می‌ریختند، دعا زمزمه می‌کردند و ابتدا سه شیار، سپس شش شیار و نه شیار می‌کشیدند تا دیو و جن را از شخص بیمار بیرون کرده و به دوزخ بگریزانند (۸، ۵، ۱).

متره درمانی یا درمان مذهبی امروزه نیز در میان زرتشتیان رواج دارد و بدین شکل انجام می‌گردد: بیمار را شستشو داده از سر تا پا در پارچه سفید می‌پیچند و گیاهان خوشبو بر آتش می‌ریزند. سپس متره خوان با لحن موسیقایی، دعا را خطاب به بیمار می‌خواند. این شیوه تا پایان مراسم، اندک اندک در بیمار شعف و امیدواری پدید می‌آورد (۱۵).

۲- آشا پزشک: پزشکی که به کمک قانون مقدس اشا (= اشه = راستی و پاکی) یعنی به طریق اشویی و مذهبی بیمارانش را درمان می‌کرده است (۷، ۴، ۳، ۱). این گروه پزشکان در چهارچوب حفظ نظافت جسم و پاکی روان و محیط زیست، فرمان و درمان داشتند. رعایت اشویی در تمام مراحل زندگی نه تنها به بیماران بلکه به افراد سالم نیز توصیه می‌شد. روش اصلی آنان، «اشا»، اساس پیشگیری از بروز بیماری‌ها با حفظ پاکی جسم و لباس و خانه و محیط زیست از آلودگی بود (۴-۳، ۱). نگهداری آب و خاک و هوا و آتش از آلودگی، قانونی مذهبی و مؤکد بود که بر مبنای آن معتقد بودند پاکی پیرامون و تن و جامه و خوراک سبب پیشگیری از

چون بسیاری از مردم امروزی در نقاط مختلف جهان، عامل بیماری را قوای مابعدالطبیعه و حلول ارواح خبیث و شیاطین در جسم و روح بیمار می‌دانستند که برای از بین بردن اثرات شوم آن‌ها به سحر و جادو و بعدها کلام مقدس و اوراد و اذکار متوسل می‌شدند که البته این‌گونه برداشت درباره‌ی ماهیت بیماری، جنبه‌ی روانی داشته است (۱۲ - ۱۰). در ایران، قدمت اعتقاد به تاثیر متره به زمان آریائیان نخستین باز می‌گردد که می‌پنداشتند برخی کلمات قدرتی مکتوم دارند که خدایان را به انسان متوجه می‌سازد. در مکتب مزدیسنا، این اعتقاد از اوهام و خرافات پیراسته شد. ایرانیان زرتشتی، اهورا مزدا را «بشّه زه» (= پزشک، درمانگر) و «پشوتنا» (= نگهدارتن) می‌خواندند و در هنگام بیماری از وی درمان می‌طلبیدند (۱۳). در بندهای ۱ و ۳ هر مزدیشت به این ویژگی کلام مقدس اشاره شده است. در ادامه‌ی همین یشت در بند پنجم، زرتشت از اهورامزدا درخواست می‌کند تا وی را از برترین و چاره‌بخش‌ترین نام خویش آگاهی دهد و اهورامزدا در میان بیست نام، خود را «پزشک» نیز می‌خواند (۷).

به استناد یشت سوم، یشت چهاردهم و فرگرد هفتم و نندیداد، متره پزشک، درمان بخش‌ترین پزشکان بوده است؛ زیرا با متره ورجاوند بیماری‌های اندرون مرد آشون (= دیندار) را درمان می‌کرده است (۸، ۷). متره پزشک به کمک کلمات مقدس می‌توانست بیمار روانی را از ناآرامی درونی برهاند و هماهنگی روحی وی را امکان‌پذیر سازد. چنان‌که دینکرد در پاسخ به اعتراض اشموغ (=گمراه کننده) درباره‌ی متره خوانی آورده است: «همانا این همه زمزمه [آهنگین و واج آراسته] متره‌ها از سوی ما، آئینی اورمزدی است؛... شیوه‌ی درمان [تن و جان] آفریدگان را و شیوه‌ی ساماندهی و نیز فراهم آوردن زمینه‌ی بالندگی آفریدگان را [با خود همراه دارند]» (۱۴). هم‌چنین در دینکرد درباره‌ی اثر فراگیتیایی توبه بر روان آدمی به یاری متره‌ها آمده است: «این روان ریمن و آلوده به گناه، زمانی که در اندیشه به پشیمانی می‌رسد و نیز زمانی که خواهان بخشش زبانی است از گناه توبه کرده است

در غیر این، حق معالجه‌ی مزدیسنان را نداشته و اگر اقدام به درمان می‌نمودند مرتکب گناه و مستحق مجازات می‌شدند (۸). (۶). به استناد فرگرد بیستم و نندیداد، کارد پزشکی از قدیمترین گونه‌های پزشکی است که پیشینه‌ی آن به ثریته (نخستین پزشک) و کارد مقدس او بر می‌گردد (۸). این اسطوره به قدمت شیوه‌ی درمانی جراحی در ایران زمین اشاره دارد.

۵- آتش پزشکی: درباره‌ی کیفیت دقیق شیوه‌ی درمانی آتش پزشکی در متون مذهبی زرتشتی، توضیح و تعریفی ارائه نشده و از آن، فقط به‌عنوان یک قسم درمانی یادآوری شده است. از توضیحات دینکرد، این‌گونه برمی‌آید که آتش درمانی به دو شیوه انجام می‌گرفته است؛ در شیوه‌ی نخست، با دود دادن گیاهان معطر و بخور دادن، هوا را گندزدایی کرده، بسیاری از بیماری‌ها را با رنج اندک از تن می‌زدودند؛ در شیوه‌ی دوم، زخم‌هایی که با گیاه درمانی و کارد درمانی بهبود نمی‌یافتند، می‌سوزاندند تا عفونت و نسوج آسیب‌دیده، خشکانده شود. البته در دینکرد به هنگام رتبه‌بندی رشته‌های پزشکی، آتش پزشکی از جراحی (= کارد درمانی) والاتر شمرده شده است (۱۴، ۶).

۶- اورورو (= گیاه) پزشک: کسی که به‌وسیله‌ی گیاهان دارویی، درمان و پزشکی می‌کرده است (۵ - ۳، ۱). در فرگرد هفتم و نندیداد (۸) و بند سوم اردیبهشت یشت (۷) به درمان با گیاه اشاره شده است. در فرگرد بیستم و نندیداد (۸) تصریح شده که اهورامزدا برای درمان بیماری‌ها، گیاهان فراوان و درمان‌بخش - صدها و هزارها - آفریده است که مزدائیان همه‌ی آن‌ها را گرامی می‌داشتند؛ زیرا با رویش این گیاهان بر دُروج (دیو نادرستی) و بیماری غلبه می‌کنند. در سکادوم نسک دینکرد معالجه با گیاه از اقسام سه‌گانه پزشکی (جادو - چاقو - گیاه) برشمرده شده است (۱۶). در هوسپارم نسک به هر یک از گیاهانی اشاره شده که اهورا برای غلبه بر حداقل یک بیماری آفریده است (۱۶) و در دینکرد ششم (۱۷) آمده: «اورمزد پروردگار برای هر بیماری که اهریمن وارد دنیا کرده دارویی خلق کرده است. این دارو بیماری را از بین می‌برد

بیماری‌ها می‌شود (۱۴، ۱۳). در فرایند درمان، این گروه پزشکان به معاینه‌ی جسمانی و مراقبت در خوراکی‌های بیمار می‌پرداختند. این پزشک را با توجه به وظیفه‌اش می‌توان به پزشک عمومی امروزی تشبیه نمود (۴، ۳).

۳- داتو پزشک: کسی که به‌وسیله‌ی قانون و داد درمان می‌کرد (داته = داد = قانون، حکم شرعی و دینی). اساس این نوع درمان بر پایه‌ی دین و اعتقادات دینی و شیوه‌ی کاهن-پزشک بر طبق قوانین مکتب مزدیسنا بوده است (۱۳، ۵، ۱). داتو پزشکان در هنگام شیوع امراض و اوقات دیگر، مردم را از قوانین بهداشتی آگاه می‌ساختند تا از سرایت بیماری و تلفات جلوگیری کنند (۱۲). در دین زرتشت، عدم تفکیک بیماران مبتلا به بیماری‌های واگیر از سایر افراد، گناه محسوب می‌شد و داتو پزشکان در هنگام بیماری‌های پُر مرگ با اعمال تدابیری چون امر به تجزیه لوازم زندگی در هنگام خواب و خوراک، پوشیدن لباس سفید و پرهیز از حضور در مجامع از همه‌گیری جلوگیری می‌نمودند (۱۳، ۵). شیوه‌های درمانی داتو پزشکان در زمان بیماری‌های همه‌گیر با روشی که امروزه در مراکز قرنطینه اعمال می‌شود یکی بوده است. همچنین، آنان در حکم پزشک قانونی امروزی نیز بودند؛ چه در تشخیص علت مرگ درگذشتگان وظیفه‌ی حساس داشته و در صدور جواز دفن نظر آنان مؤثر بوده است (۵ - ۳).

۴- کارد پزشک (= جراح): کسی که با کارد و بیشتر درمان می‌نموده است (۸، ۵، ۱). هنر درمانی کارد پزشکان، به‌وسیله‌ی دست آنان که بازدهنده‌ی اندیشه و دانش پزشکی به‌طور عملی است صورت می‌پذیرفته و به مدد آلات و ابزار جراحی انجام می‌گرفته است. جراحی باستان فقط در سطح خارجی بدن بوده زیرا دانش پزشکی، آنقدر پیشرفته و مجهز نبوده که پزشک، عضو داخلی را جراحی کند (۴، ۳). در میان پزشکان ایران باستان، شرایط کارد پزشکان برای احراز صلاحیت طبابت دشوارتر از سایر گروه‌ها بوده است. به تصریح دینکرد و نندیداد، کارد پزشکان، مهارت و دانش خود را در درمان سه نفر غیر مزدایی بایست به اثبات می‌رساندند؛

تن». گیاه پزشکان را می‌توان داروسازان عهد باستان دانست که با شناخت گیاهان و اثرات درمانی آن‌ها، دارویی را تهیه یا تجویز می‌کردند؛ کاری که امروزه عطارها به عهده دارند (۴)، (۳).

بیماری‌ها و راه‌های درمان

مهم‌ترین اسناد ایران باستان درباره‌ی بیماری‌ها و درمان‌ها، متون مذهبی است. در آبان یشت از بیماری‌ها و بیمارانی چون مبتلایان به پیس، فساد دندان، و حتی بیمارانی چون ناشنویان، نابینایان، کوتاه قامتان، گوش‌سینه‌ها، و گوش‌پشت‌ها به بدی یاد شده است که حق آشامیدن زور (نوشیدنی) مقدس را نداشته‌اند (۷) زیرا مزدائیان بر این باور بودند که بیماری‌ها و مرگ از تأثیر وجود دیوان است (۸، ۷). به استناد دینکرد (۱۴، ۶) و نیز بنابر مندرجات فرگرد ۲۲ و نندیداد (۸) علت بیماری‌ها، حمله اهریمن و نیروهای وی به جسم و جان است که پذیرش این حمله در تباهی‌های جان و خوی به سبب کاستی دانش مردم است و در تن، برخاسته از تباهی اخلاط. تباهی جان و تن به دو طریق انجام می‌شود: افراط و تفریط؛ چنان‌که نقطه‌ی مقابل بیماری یعنی تندرستی از میانه‌روی سرچشمه می‌گیرد. افراط و تفریط هم در بیماری‌های روانی و هم در بیماری‌های جسمانی علل اصلی هستند و هدف اهریمن از پدیدار کردن بیماری، تباهی روان و میراندن تن است (۶).

دینکرد، بیماری‌های جسمانی را در دو قسم قرار می‌دهد: واگیر (مسری) و ناواگیر (غیر مسری)؛ بیماری‌های روحی را نیز به دو قسم می‌کند: برانگیزاننده‌ی جان چون خشم، و واپس افکننده‌ی جان چون سستی. بیماری‌های جسمانی از بیرون بر تن عارض می‌شوند و از این رو است که دارو و درمان پزشک حاذق نیز از بیرون می‌تواند تن را بهبود بخشد؛ اما در فرایند درمان، نیروی درونی سرشت هم برای کسب سلامت جسمانی مؤثر دانسته می‌شود. هم‌چنین، گروهی از بیماری‌های روانی به سبب بیماری‌های جسمانی پدید می‌آیند و گروهی نیز از درون سرچشمه می‌گیرند و برای بهبود هر

درست همان‌طور که نان و آب، گرسنگی و تشنگی را رفع می‌کنند. در فرگرد ۶۰ هوسپارم نسک (۱۶) نیز نحوه‌ی انتخاب گیاهانی که کاربرد پزشکی دارند ذکر شده است.

از دیدگاه زرتشتیان هر بیماری، گیاهی درمان بخش دارد و اصل تمام گیاهان دارویی به درخت «بس تخمه» (= هزار تخمک / در اوستا: ویسپوئیس = همه پزشک) در دریای فراخکرد می‌رسد که شایسته است آن را نیکو پزشک، کوشا پزشک یا همه پزشک خوانند (۱۸، ۹، ۶).

روش‌های گیاه درمانی عبارت بوده‌اند از ۱- خوراکی، ۲- مالیدن، ۳- بخوردادن.

در روش خوراکی از عصاره و جوشانده گیاهان استفاده می‌شده است. در روش مالیدن بدن را با عصاره‌ی گیاهان آمیخته در آب شست‌وشو می‌دادند. در اوستا برای بعضی آب‌ها خاصیت دارویی و درمانی ذکر شده است چون این قبیل آب‌ها با ریشه و تخم و برگ گیاهان دارویی آمیخته گردیده‌اند، بدین مناسبت آن را درمان بزرگ می‌خواندند. در آبان یشت آمده: «هورا مزدا به سپیتمان زرتشت گفت: ای سپیتمان زرتشت، اردویسوراناها را که در همه جا [دامان] گسترده، درمان بخش، دیوستیز و اهورایی کیش است به خواست من بستای. . . اوست که تخمه‌ی همه‌ی مردان را پاک کند و زهدان همه‌ی زنان را برای زایش [از آرایش] بپالاید؛ اوست که زایمان همه‌ی زنان را آسانی بخشد و زنان باردار را به هنگامی که بایسته است شیر [در پستان] آورد (۷). این خواص، به‌نظر می‌رسد، شبیه خواصی است که امروزه در اعتقادات عامه برای چشمه‌های آب معدنی قائلند. در روش دود و بخور دادن، گیاهان و صمغ‌ها را بر آتش می‌نهادند که بیش از همه کندر و عود مرسوم بوده است (۱۳، ۵). با این اعتقاد که بخور و پراکندن بوی خوش، سبب گندزدایی آتش و آب و زمین و نابودی عوامل بیماری‌زا می‌گردد (۱۴، ۸). در کرده ۱۵۷ دینکرد (۶) کم‌رنج‌ترین شیوه‌ی درمان، بخور دانسته شده است: «از رهگذار گندزدایی کردن با گیاهان معطر مؤثر، در کار زدودن بسیاری بیماری از تن، آن‌هم با کم رنجی

دوگون بیماری روانی باید از جان‌اهورایی مدد جست (۶).
دینکرد بشارت می‌دهد که در زمان نوسازی جهان، همه‌ی بیماری‌ها، سرکوب و رانده می‌شوند و تأکید می‌کند که این بشارت را از آموزه‌های دین می‌توان برگرفت (۶).

راه دستیابی به سلامت جان از طریق تعادل نیروهای روحی و سلامت جسم از طریق حفظ اعضای بدن امکان‌پذیر است. تعادل نیروهای روحی با شناخت و ویرایش این نیروها از برادران دروغین‌شان، دست‌یافتنی است؛ چنان‌که با دانش و خشم و جنبش، برادران دروغین‌شان بدآگاهی، تکاوری و کاهلی شناخته می‌شوند. این بازشناسی، اساس حفظ تندرستی روانی است تا جان پاک ماند و از گناهکاری بپرهیزد. حفظ سلامت جسم از طریق استفاده‌ی به‌اندازه از خوراک و نوشاک است تا سرشت آدمی قوت گیرد و تازش اهریمن که همان بیماری است به پس رانده شود. بدین‌گونه که نیروی درونی خوراکی‌ها و نوشیدنی‌ها به نیروی اخلاط اربعه می‌پیوندد و سبب استمرار سلامت جسمانی می‌گردد. ولی گاه برای اصلاح سرشت، دارو نیز لازم است تا با نیروی آن، افراط زیاده خواری از بدن دور گردد و یا تفریط خوراک، جبران شود و این‌چنین، تعادل اخلاط به‌دست آید (۶). چنان‌که گفته آمد تندرستی برخاسته از سلامت جسم و جان است، بدین سبب روان‌پزشک و تن‌پزشک نیز در تعامل بایست باشند تا به مساعدت یکدیگر، بهبودی بیمار را فراهم نمایند و هر دوی آن‌ها برای انجام صحیح وظایفشان در درمان بیماران بایست از شهریار چاره‌جویی و یاری طلب کنند که آموزه‌ی دین چنین است (۶).

در اندیشه‌ی پزشکان ایران باستان، سرشت آدمی از چهارخلط (= عناصر اربعه) ترکیب یافته بود چنان‌که بن ماده‌های جهان نیز چهارگانه است؛ از این رو، وظیفه‌ی تن‌پزشک، زدودن افراط و تفریط از بدن برای حفظ تندرستی بوده است. نیروهای روانی نیز چهار محسوب می‌شوند که وظیفه‌ی روان‌پزشک، پاییدن آن نیروها از برادران دروغین بوده است و آن وظیفه عبارت بوده از پاسبانی اندیشه، گفتار و

کردار نیک از اندیشه و گفتار و کردار بد و علاوه بر آن آماده کردن روان برای رستگاری که با کمک سه نیروی قبلی امکان‌پذیر می‌شده است (۶).

پیشگیری و مراقبت‌های بهداشتی

در بهداشت همگانی، دستورات دینی زرتشت در مرتبه‌ای عالی قرار دارد. قوانین مربوط به طهارت و پرهیز از آلودن محیط زیست با اصول پیشگیری از شیوع بیماری‌ها تفکیک‌ناپذیرند. توجه به پیشگیری از انتشار بیماری و رعایت اصول بهداشتی در هنگام مراقبت از بیمار از جمله موضوعات مورد توجه در دین زرتشت است که از وظایف مهم شهریاران بوده است. در دینکرد، حفظ بهداشت و پیشگیری از بیماری‌ها از آن رو وظیفه‌ی شهریار شمرده شده که مقابله با اهریمن و آفرینش‌های اوست و برترین شهریار آن کسی دانسته شده که بدبختی و بیماری در سرزمین او کم‌تر باشد. «برابر آموزه‌های دین بهی، همان‌گونه که از وظایف شهریاران، باز داشتن انیران و دشمنان از [سلطه‌بر] تخت شاهی و پیشگیری از [تازش] دزدان و ستم‌کامگان از شهرهاست به همان‌گونه نیز از خویشکاری‌های (وظایف) آنان، دور راندن و زدودن تهیدستی و تنگدستی و نیاز و ناخوشی و بیماری - تا آن‌جا که در کیهان [شدنی] است - از کسانی است که در [گستره] شهریاریشان [می‌زیند] و به همان‌گونه نیز [بر آنان واجب است که در کار] تقویت [ابزار کار و ورز مردمان] و چاره‌جویی و پاییدن [کار آنان باشند]. در میان شهریاران، آن کسی برین پایه‌تر است که بدبختی و بیماری را تا آن‌جا که چاره‌پذیر است از شهر مردمان آنچنان زداید که در گستره‌ی شهریار او، مردم کم دست نیز بی‌درد و بیماری [زیند]» (۱۴).

راهکار مبارزه با اهریمن و آفریده‌های او، تأسیس بیمارستان و تجهیز آن با پزشکان و دارو بود که این نیز از وظایف شهریار شمرده شده است. در کرده‌ی چهل و ششم دینکرد این‌گونه آمده است: «[وظایف شهریار] در برابر چاره‌جویی برای بیماری و ترنجیدگی اندام: «می‌باید در همه‌ی

آشکار است ایرانیان باستان به عاملی ناشناخته (= باکتری) که سبب بروز بیماری و فساد لاشه می‌شود اعتقاد داشته‌اند (۱۹)، (۵).

طریقه‌ی دیگر پیشگیری از گسترش بیماری، رعایت نکات بهداشتی از سوی پزشک بوده است. دینکرد تصریح می‌کند که اگر پزشک به بیمار نزدیک گردد و سبب شیوع بیماری شود گناهکار است (۱۶). از سوی دیگر، جدا نکردن بیمار مبتلا به بیماری واگیر از دیگران هم گناه محسوب می‌شد (۱۳). در هنگام بیماری‌های پر مرگ (طاعون، وبا، آبله) مردم با پوشیدن لباس‌های سپید و پرهیز از حضور در مجامع و تفکیک ظروف غذا و لوازم خواب، از ابتلا و همه‌گیری بیماری پیشگیری می‌نمودند (۱۳، ۵) و به اشاره هوسپارم نسک دینکرد (۱۶) به اهمیت آن در اوستای باستانی می‌توان پی برد، زیرا که یک بخش به این موضوع اختصاص یافته است.

از دیگر تمهیدات برای پیشگیری از همه‌گیری بیماری‌ها، شست‌وشوی سر و بدن و حفظ پاکی تن و نیز مقررات اصلاح موی سر بوده است (۲۰). دینکرد تصریح دارد شستن سر بایستی مطابق آداب دینی انجام گیرد و زمان خاصی برای آن وجود داشته است (۱۶).

آرایشگران موظف بودند پاکی تیغ را رعایت نمایند و برای بزرگسالان و کودکان از تیغ‌های جداگانه و تیز استفاده کنند. توصیه‌ای که امروزه پس از قرن‌ها در جوامع پیشرفته با تأکید مقامات بهداشتی لازم‌الاجرا شده است در ایران باستان مرعی بود (۱۶).

توصیه به شستن دست‌ها هنگام غذا و هنگام عبادت و پاکی بدن و لباس که در دینکرد از شروط اجابت عبادت برشمرده شده تماماً زیر بنای بهداشتی داشته است (۲۰، ۱۷). از راه‌های مهم مبارزه با آلودگی و ایجاد محیط بهداشتی، پاکسازی محیط از طریق نابود کردن ناقلان بیماری‌ها از قبیل پشه، مگس، شپش و ... است. موضوع گندزدایی و حشره کشی از موضوعات بسیار مهم در بهداشت و طب ایران باستان و از جمله تعالیم موکد اوستاست. دینکرد در کرده

شهرها و نیز در کشور [یا: در همه روستاها] بیمارستانی بی‌عیب [برپا کند] و با بهره گرفتن از پزشک روان دوست کارشناس [امکان دسترسی همگان را نیک] به دارو و درمان فراهم کند» (۱۴).

هم‌چنین، دستورات اکید مذهبی در دین زرتشت برای حفظ پاکی آب و خاک و هوا از بن مایه‌ی پیشگیری از بیماری‌ها نشأت می‌گیرد؛ با این استدلال که پاکی آن‌ها سبب استمرار حیات آدمیان و چهارپایان و زندگی نیک و تدبیر خوب امور می‌گردد (۲۰، ۱۹، ۱۶).

هرودت و گزنفون آورده‌اند که ایرانیان در آب روان آب دهان نمی‌اندازند، بول نمی‌کنند، دست و روی خود را [در آب روان] نمی‌شویند، و اگر دیگری هم خواست مرتکب این اعمال شود، مانع می‌شوند (۲۲، ۲۱). هم‌چنین، گزنفون مجدداً تأکید می‌کند که: «تا این روزگار، پارسیان هنوز شرم دارند که در گذرگاه همگان، آب دهان بر زمین افکنند یا آب بینی فرو ریزند» (۲۲).

عادات پارسیان که هرودت و گزنفون بازگفته‌اند از توصیه‌های مذهبی بوده است، آن‌گونه که در فرگرد ششم و نندیداد درباره‌ی حفظ پاکی آب دستورات بسیاری صادر شده است (۸) و دینکرد نیز یکی از بایسته‌ترین خویشکاری‌های شه‌یاران را تأمین بهداشت محیط زیست می‌داند تا عوامل ایجاد و گسترش بیماری نابود شود «از پایاترین خویشکاری‌های شه‌یاران این است که با [پراکندن] بوی خوش بر آتش و آب و زمین برای پایش هوا، که فساد و تباهی از آن منتقل می‌شود، بیماری‌های چرکین و بدبختی و نیاز تودگان را - تا مبدا بن‌انگیز بیماری و ناخوشی مردم گردد - ریشه‌کن کند و این شدنی نیست مگر از راه پاییدن آتش و آب و زمین (۱۴).

پرهیز از تماس با جسد و دستورات بسیار سخت طهارت فردی که مس میت نموده تماماً به لحاظ پیشگیری از شیوع بیماری‌ها بوده است (۲۰، ۸) که با توجه به تأکید و نندیداد بر ناپاکی جسد انسان و حیوان و امکان سرایت عامل مرگ‌زا،

چهل و هشتم، انواع ستیزندگان بر آفریدگان اورمزدی را ذکر و تشریح می‌کند. در توضیح قسم سوم که پتیاره‌های تازش آورنده بر تن آفریدگان اورمزدی‌اند خزندگان را نام برده که بدترین و مهم‌ترین آن‌ها مار است. شیوه‌ی نابودی این خزندگان، استفاده از گرز و مارکش است که باید مرد دیندار با جواز کار آن را انجام دهد (۱۴). ذکر «مرد دیندار با جواز کار» در همین قسم می‌رساند که در ایران باستان گروهی روحانی محیط بان برای پالایش زیستگاه از آلودگی‌ها، تعلیم دیده و تربیت شده بودند که به‌طور رسمی و قانونی به این کار اقدام می‌نمودند.

جدا زیستن زنان دشتان (حایض) و زنانی که وضع حمل نموده بودند از دیگر اعضای خانواده و منع از مقاربت با آنان (۲۰، ۸) و پرهیز از مردار، خون، منی، ادرار، آب دهان و آب آلوده از دیگر مقررات مؤکد دینی - بهداشتی زرتشتیان در پیشگیری از بیماری‌ها بوده است (۲۰).

در دینکرد توصیه‌ای می‌یابیم که دستور کلی برای سلامت افراد جامعه و پیشگیری از بیماری‌های جسمانی است: «در زندگی قناعت، بهترین است؛ و در قناعت، سلامت جسم بهترین است» (۱۷).

تشکر و قدردانی

از استاد فرهیخته و فرهنگ‌شناس گرانقدر جناب آقای دکتر فریدون فضیلت که در فراهم آوردن مجلدات دینکرد یاری رساندند سپاسگزاری می‌نمایم. ایزد سلامتس دارد.

منابع

- ۱- رضی ه. دانشنامه ایران باستان. تهران: سخن؛ ۱۳۸۱.
- ۲- شهزادی ر. پزشکی و بهداشت در ایران باستان. مجله ی پشوتن ۱۳۲۷؛ شماره ۱: ۵-۲۱.
- ۳- خدادادیان ا. پزشکی و روش‌های بهداشتی و درمانی در ایران باستان. مجله ی هنر و مردم ۱۳۵۶؛ شماره‌ی ۱۷۸: ۶۳-۷۴.
- ۴- خدادادیان ا. روش‌های درمان و پزشکی زرتشتیان در ایران باستان. مجله ی بررسی‌های تاریخی ۱۳۵۶؛ شماره ی ۴: ۹۲-۱۶۳.
- ۵- نجم آبادی م. تاریخ طب در ایران. تهران: انتشارات دانشگاه تهران؛ ۱۳۷۱.
- ۶- فضیلت ف. ترجمه دین کرد، کتاب سوم. تهران: مهرآیین؛ ۱۳۸۴، دفتر دوم.
- ۷- دوستخواه ج. اوستا. تهران: مروارید؛ ۱۳۷۴.
- ۸- رضی ه. وندیداد. تهران: فکرروز؛ ۱۳۷۶.
- ۹- بهار م. بندهش. تهران: توس؛ ۱۳۸۵.
- ۱۰- محرری م ر. از افسونگری تا روان درمانی. کیهان فرهنگی ۱۳۷۱؛ شماره ی ۸: ۱۸-۲۲.
- ۱۱- خدابخشی س. تاریخچه پیدایش علم پزشکی در ایران و تأثیر آن در ادبیات. خلاصه مقالات نخستین کنگره تحقیقات ایرانی؛ سال ۱۳۵۴.
- ۱۲- شهزادی ر. پزشکی و بهداشت در ایران باستان. مجله ی پشوتن ۱۳۲۷؛ شماره ی ۱: ۵-۲۱.
- ۱۳- خدابخشی س. پزشکی در ایران باستان. تهران: فروهر؛ ۱۳۷۶.
- ۱۴- فضیلت ف. ترجمه دین‌کرد، کتاب سوم. تهران: فرهنگ دهخدا؛ ۱۳۸۱، دفتر یکم.
- ۱۵- سامی ع. پزشکی در عهد ساسانی. مجله ی هنر و مردم (دوره جدید) ۱۳۴۸؛ شماره ی ۸۹: ۷-۱۰.

16- West EW. Denkart 7-9. Sacred Books of the East. Oxford university press; 1897.

17- Shaked S. The Wisdom of the Sasanian Sages (Dēnkard VI). USA: Westview

- معین؛ ۱۳۸۶.
 ۲۱- هدایتی ه. ترجمه تاریخ هرودت. تهران: دانشگاه
 تهران؛ ۱۳۸۸.
 ۲۲- تهامی ا. ترجمه زندگی کورش از کزنفون. تهران:
 نگاه؛ ۱۳۸۸.

Press; 1979.

- ۱۸- اوشیدری ج. دانشنامه مزدیسنا. تهران: نشر مرکز؛
 ۱۳۷۱.
 ۱۹- تاج بخش ح. تاریخ دامپزشکی و پزشکی ایران.
 تهران: سازمان دامپزشکی کشور با همکاری انتشارات
 دانشگاه تهران؛ ۱۳۷۲.
 ۲۰- آموزگار ژ، تفضلی ا. دینکرد، کتاب پنجم. تهران: